



● درآمد
سیدحسین موسوی، یکی از یاران نزدیک امام موسی صدر و شهید چمران در لبنان به شمار می‌رود که سخنان جذابی از سلوک و ویژگیهای فرماندهی شهید چمران برای گفتن دارد. با وی گفت‌وگویی کوتاه داشتیم که در پی می‌آید.

■ گفت‌وگوی اختصاصی با «سیدحسین موسوی» (ابوهشام)
رئیس «جنبش امل اسلامی لبنان» درباره شهید چمران

یار صادق امام موسی صدر...

می‌شد. به یاد می‌آورم که وقتی ایشان از بیروت به مقصد اردوگاه آموزشی «جنتا» که در جاده بریتال بود، خارج می‌شد، هنگامی که از منطقه «نبی شیت» می‌گذشت، به خانه‌های می‌رفت و بر زمین می‌نشست و از غذای اهل روستا می‌خورد. ما، در روستا کشتی‌گیری مجرب و ماهر داشتیم، او به شهید چمران می‌نگریست و به ما می‌گفت: «این استاد و آموزگار شماست؟ من می‌توانم او را به زمین بزنم.»
به شهید چمران گفتیم که این شخص می‌خواهد با شما کشتی بگیرد. با توجه به این که او انسان با اخلاقی بود و شاید فنون مبارزه کشتی را به خوبی بلد نبود و کارش چیز دیگری بود، فکر کرد که اگر این کار را انجام ندهد و کشتی نگیرد، در مورد قوت و توانایی‌اش شبهه ایجاد می‌شود. او بیشتر مایل بود که آدمی مومن، فرهنگی، با تعلم، منضبط، آموزش دیده و فداکار باشد. ما اصلاً فکر نمی‌کردیم که او در ورزش کشتی نیز توانایی داشته باشد. البته مبارزه‌های برادرانه. یاد می‌آید خانه دائمی‌ام در نبی‌شیت خاکی بود. شهید چمران گفت: «اگر تو مصر به کشتی گرفتن هستی، من نیز حرفی ندارم و از آن استقبال می‌کنم.»
آن فرد که از نزدیکان ما بود، به حکم ظاهری که شهید چمران داشت، فکر نمی‌کرد که او بتواند از پس کشتی برآید، چرا که او یک مهندس و سخنران می‌نمود که هیچ علاقه‌ای به کشتی ندارد. شهید چمران وارد مبارزه شد و در این کشتی پیروز شد و من آن صحنه را خوب به یاد دارم. ■

«عقیدتی سیاسی» جنبش بود. او فردی فرهنگی، مجرب و آموزش دیده بود.
امام موسی صدر معتقد بود که رئیس ارکان و ستادهای این نهضت اسلامی و شیعی در لبنان، شهید چمران (رحمت‌الله‌علیه) است. وی در هیچ امری کوتاهی نکرد و چیزی برای خود نیاندوخت. خوابش بیشتر در ماشین و راه‌ها بود. گرد و غبار راه را می‌خورد و به طور کل در هر چیزی همراه ما بود.
شهید چمران مؤسس نخستین تشکیلات در جنبش امل لبنان بود و وقتی انقلاب اسلامی پیروز شد، به ایران آمد و دیگر شما بهتر از ما می‌دانید.
چه خاطره‌ای از آن بزرگوار به یاد می‌آورید؟
شهید چمران ماشین مرسدس داشت که بر آن سوار

■ ■ ■
امام موسی صدر معتقد بود که رئیس ارکان و ستادهای این نهضت اسلامی و شیعی در لبنان، شهید چمران (رحمت‌الله‌علیه) است. وی در هیچ امری کوتاهی نکرد و چیزی برای خود نیاندوخت. خوابش بیشتر در ماشین و راه‌ها بود. گرد و غبار راه را می‌خورد و به طور کل در هر چیزی همراه ما بود.

با تشکر از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید. لطفاً در مورد جگونگی حضور شهید چمران در لبنان و نقش او در تأسیس جنبش امل بفرمایید.
شهید چمران چنان که معروف است در غرب بود، او خانواده و وطن خود را ترک گفته و به لبنان آمده بود تا برای خدمت به مسلمین و محرومین لبنان و در تماس بودن با انقلابیونی که با امام خمینی (ره) مرتبط بودند، با امام موسی صدر همکاری کند؛ او در خدمت مسلمانان و گروه‌های اصلی انقلاب ایران بود. محل اقامت و مرکز او نیز همیشه در جبل عامل در منطقه صور بود. در آنجا موسسه‌ای تأسیس کرد که از آن کادرهای مومن و باهوش و مجرب پیرون می‌آمدند. یعنی علوم و فنون فیزیک، ورزش و کشتی می‌آموخت و فعالیت‌های آموزشی را نیز مجدانه به پیش می‌برد.
من به نوبه خود شهادت می‌دهم که او در کنار امام موسی صدر، فردی با اخلاص، صادق و زاهد بود. من به خاطر ندارم که او چیزی را جز برای مشارکت در نهضت شیعیان محروم و مستضعف خواسته باشد.
او همیشه با برادران در مواضع و اماکن آموزش همراه بود و همگام با آنها در نبردها شرکت می‌کرد. شهید چمران کسی نبود که در اتاق خود بنشیند و فقط فرمان بدهد. او اتاق کوچکی در «مدرسه صنعتی جبل عامل» (که خود تأسیس کرده بود) در صور داشت و برای خود برنامه ویژه‌ای چیده بود. من درک و لمس می‌کردم که او تلاش خود را مصروف اسلام و تشیع نموده بود. او مسئول اصلی تشکیلاتی «جنبش امل» بود و می‌شود گفت مسئول